

آداب و اصول سخنرانی

تألیف:

اسناد حسن و حسین

ترجمه:

رحمن جعفری

1-08-1608-16:17 P

سرشناسه	: بایپر، علی، ۱۹۶۱ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: آداب و اصول سخنرانی : دست‌گل‌های زیبا و خوش‌بو تقدیم به باغبانان بشریت علما و خطباء و دعوتگران و پیشوایان/ تالیف علی بایپر؛ ترجمه رحمن جعفری؛ بازخوانی و ویراستاری بهزاد مولایی.
مشخصات نشر	: سنندج: نالای روونایی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۰ ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	: 978-600-95104-9-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: سخنرانی
موضوع	: سخنوری
شناسه افزوده	: جعفری، رحمن، ۱۳۶۰ - مترجم
شناسه افزوده	: مولائی، بهزاد، ۱۳۶۵ - ویراستار
رده بندی کنگره	: ۴۱۳۹PN ۱۳۹۴ ۲ب/ف
رده بندی دیویی	: ۵۱/۸۰۸
شماره کتاب ملی	: ۴۱۴۹۳۴۸



1-08-1609-16:17 P

ویراستار: بهزاد مولایی - اسماعیل کسنزانی
 ناشر: نالای روونایی
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳
 تیراژ: ۲۰۰۰
 قیمت: ۳۵۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۱۰۴-۹-۸

مراکز پخش: سنندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

سقز کتابفروشی پیام نو ۱ و ۲

تلفن: ۰۸۷۳-۶۲۲۱۰۹۸

ایمیل: arasbooks73@gmail.com

ایمیل: allabook93@yahoo.com

فهرست

موضوع	صفحه
مقدمه مترجم.....	۷
مقدمه مؤلف.....	۱۱
ما چه کسی هستیم؟.....	۱۹
۱- اخلاص و نیکوکاری «الإخلاص و النصح».....	۲۳
۲- علم و تخصص.....	۲۷
۳- حکمت و بیان.....	۳۳
۴- تنظیم و ترتیب کلام.....	۳۵
۵- مراعات میزان و اندازه‌ی آگاهی و نیاز مردم.....	۳۷
۶- اولویت‌بندی مطالب (الأهم فالأهم).....	۴۰
۷- تجدد و تازگی مطالب.....	۴۱
۸- اهتمام ویژه به ایمان و عقیده.....	۴۲
۹- اهتمام به بشارت و آسان‌گیری و اجتناب از ایجاد نفرت و سخت‌گیری.....	۴۴
۱۰- پرهیز از افراط و تفریط.....	۴۶
۱۱- اختصار و عدم تکرار، به جز در مواقع ضروری.....	۴۸
۱۲- توضیح مفهوم واژه‌های کلیدی.....	۵۰
۱۳- نمایاندن حقیقت فراگیری و کمال اسلام.....	۵۸

- ۱۴- گفتگو درباره‌ی مسائل جدید ۶۲
- ۱۵- تأکید بر روشن کردن عقول و بیدار کردن قلوب ۶۴
- ۱۶- تغییر لحن و سرعت گفتار بر حسب موقعیت ۶۷
- ۱۷- پرهیز از کلمات و اصطلاحات نسنجیده و حرکات ناشایست ۶۸
- ۱۸- جسارت و شجاعت و حق‌گوئی ۶۹
- ۱۹- آمادگی کامل برای تحمل هر نوع مشقت در راه گفتن حق و نشان ندادن ضعف و ناتوانی ۷۳
- ۲۰- لزوم است خطیب دارای شخصیتی والا، صادق، نیکو و با ثبات باشد ۷۶

1-08-1608-16:17 P

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه‌ی بهزاد مولانی

هنر سخن گفتن که با وسیله‌ی زبان صورت می‌گیرد یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین هنرهای جهان است، با زبان است که هنر شعر و ادب و پند اندیشه به ظهور می‌رسند، هر چند برخی از اندیشمندان راه‌های سخن گفتن را فراتر از کار زبان می‌دانند بلکه نوشتن و حرکات اعصاب بدن را نیز سخن گفته‌اند، اما آن چه در این مورد بحث است علم زبان است که مشهورترین آداب آن است.

این وسیله‌ی هنرنمایی اگر به وسیله‌ی عقل و علم و دل فرماندهی نشود می‌تواند خسارت‌هایی به بار آورد که جبران خسارات آن بسیار مشکل آید، هم چنان که در طایف تاریخ اسلام احیای و پویایی هنر از دستاوردهای این دین آسمانی است. سخنرانی نیز یکی از مهم‌ترین دستاوردهای اسلام است. رسول خدا ﷺ که با «أقرأ» آغاز شد این هنر رو به سوی پویایی نهاد و قله‌های مرتفعی را در جهان اسلام فتح نمود.

خطبه یا همان سخنرانی یکی از اصول و مبادی رسالت و دعوت اسلامی است و اهمیت دادن به آن در لابه‌لای تمام کتب فقهی و

متون اسلامی هویدا است که خطبه در اسلام با متد و روش خاص خویش آغاز و پایانی ویژه دارد و در اسلام به عنوان عبادتی خاص بدان توجه شده است و در اسلام خطبه دادن و خطبه گوش کردن از واجبات است، به همین دلیل این هنر مهم در اسلام مورد توجه و عنایت ویژه‌ای بوده و هست و اگر به اصول و مبانی این هنر در متون اسلامی پردازیم دهها جلد کتاب می‌توان نوشت؛ کتاب حاضر که دارای ۲۰ اصل اساسی برای یک سخنران است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مؤلف محترم کتاب از پرداختن به اصول کلیشه‌ای، رسته‌زانی فراتر رفته و به اصول و مبانی مهم یک سخنران پرداخته که مهم نکات کاربردی ایشان برای هر سخنرانی

به ویژه علمای و اندیشمندان اسلامی الزامی است. شمولیت ویژگی‌های سخنران موفق را دیدگاه مؤلف یکی دیگر از نکات حائز اهمیت کتاب است برای مثال ایشان به ویژگی‌های عقیدتی، اخلاقی و هنری یک سخنران موفق پرداخته است و این ویژگی مهم کتاب سبب تمایز کتاب حاضر از سایر کتب آئین سخنرانی‌های دیگر می‌شود، چون بیشتر کتاب‌های آئین سخنرانی به نحو سخن گفتن و هنرنمایی کردن در آن پرداخته‌اند و ویژگی‌های دیگر را به باد فراموشی سپرده‌اند و یا در متون اسلامی از ویژگی‌های سخنرانی کمتر وارد وادی هنر سخنرانی می‌شوند، اما در کتاب حاضر به طور نسبی سعی بر آن شده است که این چند ویژگی را مورد توجه قرار گیرد.

هر چند جناب شیخ علی باپیر حق ترجمه تمام کتاب‌های خویش را بنده واگذار نمودند اما بنده با کسب اجازه از ایشان به علت کثرت مشغله و ضیق وقت توفیق ترجمه‌ی تمام آثار ایشان را نداشتم و به همین دلیل بر آن شدم که ترجمه‌ی برخی از کتاب‌ها را به دوستان دیگر واگذار نمایم، و برادر و دوست گرامی و ارجمند جناب امام‌ستا عبدالرحمان جعفری با توجه به علاقه و توانمندی که داشتند اقدام به ترجمه‌ی اثر حاضر را کردند که امیدوارم موفقیت ایشان را در سایر عرصه‌ها شاهد باشیم و از این که در چاپ کتاب تأخیر اصم شد از اساتید محترم مؤلف و مترجم پوزش می‌طلبیم.

والسلام علی من اتبع الحق والهدی

۹۴/۸

تهران - بهزاد مولائی

1-08-1609-16:17 P

معرفی کتاب

خواننده‌ی گرامی:

کتاب حاضر متن یکی از سخنرانی‌های اینجانب است که برای جمعی از اساتید خطیب و سخنران در اربیل و حومه‌ی آن ارائه شده است.

پس از سه ساله شدن بر روی کاغذ، آن را بررسی نموده و تغییراتی جزئی در آن به وجود آورده و به شکلی که پیش روی شماست در آوردم. امیدوارم این کتاب را به همراه کتاب «علمای اسلام چه کسانیست و چگونه اند؟» هم‌زمان با سخنرانی برای اساتید سخنران و مدرّس، از جنبه‌ی چگونگی سخنرانان و تدریس و دعوت کردن باشد و نقش خود را در تأثیرگذاران و امید بودن خطبه و درس و نصایح ایفا کند.

۱- از طرف برادر بزرگوارم (حیدر مظفر) بر روی کاغذ آورده و جناب آقای (زانا حسن بکر) آنرا تایپ نموده است، خداوند جزای خیرشان دهد.

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه ای دلف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله محمد
وآله المهتدين بهداه

خداوند بخشنده و مهربان بعد از آنکه آدم و حوای همسرش
(درود خداوند بر آنان باد) از یک طرف و ابلیس ملعون را از
طرف دیگر به عنوان حزا حرام گناه و سرپیچیشان از آسمان و
هشت روانی زمین کرد، اما سالها بعد، که از این برآمد
برای امرار معاش و ادامه ی زندگی خود و فرزندان شان روی زمین،
برنامه و راهنمایی مخصوص برایشان ارسال می کند و نیز بشارت
داده اگر مطابق برنامه و هدایت خدا حرکت کنند و زندگی فردی و
خانوادگی و اجتماعی خود را با شریعت الهی تطبیق دهند، هرگز
دچار سرگردانی در دنیا و رسوایی در آخرت نمی شوند؛ در همان
حال آنان را هشدار داده، اگر از برنامه ی او روی گردانند و راست
را گم کرده و از صراط مستقیم منحرف شوند، دچار زندگی تلخ و
تنگنای دنیا و رنج و مشقت و کور شدن در آخرت می شوند؛ آن
چنان که می فرماید:

﴿ قَالَ أَهَيْلًا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَأَمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي

هُدًى فَمَنْ أَتَّبَعَ هُدَاىَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِى فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمًى ﴿١٢٤﴾ طه/ ۱۲۳-۱۲۴

«خدا دستور داد: هر دو گروه شما با هم (ای آدم و حوا و اهریمن!) از بهشت فرو آئید (و در زمین ساکن شوید، و در آنجا) برخی (از فرزندانان) دشمن برخی دیگر خواهند شد، و هرگاه هدایت و رهنمود من برای شما آمد، هر که از هدایت و رهنمودم پیروی کند، گمراه و بدبخت نخواهد شد * و هر که از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتابهای آسمانی دوری گزیند)، زندگی تنگ و سخت و گرفتاری خواهد داشت؛ (چون نه به قسمت و نصیب خدادادی قانع خواهد شد، و نه تسلیم قضا و قدر الهی خواهد گشت) و روز رسایان را (و اینها را که عرصه قیامت گسترده را با دیگران در آنجا) گرمی آوری»

بدون شک حکمت خداوند متعال، اینطور اقتضا نموده است که پیام و برنامه‌های خود را برای راهنمایی انسان و اجتناب به تدریج، همگام با حوادث تاریخ و بر حسب نیاز، هم را پیامبران منتخب خود، نازل کند؛ همان‌طور که می‌فرماید:

﴿اللَّهُ يَصْطَلِفُ مِنْ الْمَلَكِ كَرُسلًا وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَكُونُ لَهُمْ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ حج/ ۷۵

«خداوند از میان فرشتگان پیام‌آورانی را بر می‌گزیند و هم از میان انسان‌ها پیغمبرانی را چرا که خداوند شنوا و بینا است».

هم‌چنین خداوند علیم و قدیر اعلام نموده است که پس از آمدن پیامبران و بجا آوردن دو وظیفه‌ی بزرگ و اساسی بشارت و انذار، بر مردم اتمام حجت انجام می‌گیرد و مردم بهانه و پس از آن حجتی نخواهند داشت، آنجا که می‌فرماید:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ بَرِيءًا حَكِيمًا﴾ نساء/۱۶۵

«ای پیغمبران را فرستادیم تا (مؤمنان را به ثواب) مژده رسان، و (کافران را به عقاب) بیم دهنده باشند، و بعد از آمدن پیغمبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند (و نگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می‌فرستادی، ایمان می‌آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می‌گرفتیم) و خدا چه حکیم است (در کارهایش) از روی قدرت و حکمت اعلام می‌آورد»

مسلم و واضح است که پیامبران خدا وظیفه‌ی بشارت به خوشبختی و سعادت دنیا و سرفرازی و رسیدگی قیامت در نتیجه‌ی پیروی کردن از شریعت، و انذار و ترساندن از سرگردانی و زندگی پر مشقت در دنیا و رسوایی و رو، سیاهی و قیامت هنگام انحراف و سرپیچی از شریعت را به خوبی انجام داده‌اند و به طریقی کلی حجت خدا، بر همه‌ی مردم و یا اکثر آنان به اتمام رسیده و بهانه‌ای در دست مردم باقی نگذاشته و بر آنان اتمام حجت نموده‌اند.

پیامبر خاتم، محمد ﷺ به حکم علو مرتبت و ختم نبوت، نیز به خوبی و بهتر از همه‌ی پیامبران از پس این وظیفه و رسالت

برآمد، آن چنانکه در خطبه‌ی حجّة الوداع تمام یاران و اصحابش گواهی و شهادت داده‌اند، زمانی که خطاب به آنان فرمود: «أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟» آیا تبلیغ کردم و رساندم؟ آنان هم گفتند: «اللَّهُمَّ نَعَمْ» خداوند! تو را گواه می‌گیریم که تبلیغ کرد، در آنجا پیامبر (ﷺ) انگشت شهادت را به طرف آسمان بالا برد و سپس به آن مردم که شمارشان از صدهزار نفر بیشتر بود، اشاره نمود و فرمود: «اللَّهُمَّ شَهِدْ» پروردگارا تو گواه باش!^۱

ال. واضح است که بعد از «محمّد بن عبدالله (ﷺ)» دروازه‌ی نبوت و رحمت بسته شد؛

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾

وكان الله لكل شيء عينا (۱) و انما هو المراد من قوله (۲) «محمّد پدر آنسبی نیست یا از مردان شما نبوده بلکه خاتم النبیین

خدا و آخرین پیغمبران است (۳) رابطه او با شما رابطه نبوت و رهبری است). و خدا از همه چیز آگاه بوده و هست.

به همین دلیل مسئولیت مهم تبلیغ پیام و بشارت‌های خدا و بشارت و انذار مردم بعد از پیامبر خاتم (ﷺ) وظیفه‌ای است که در وهله‌ی اوّل به عهده‌ی علماء - که وارثین حقیقی پیامبران (ﷺ) باشند - محوّل شده است، دانشمندانی که خداوند حکیم از آنان به عنوان بندگان برگزیده‌ی خود نام برده و این گونه ایشان را معرفی می‌نماید:

۱- طبق روایتی که در صحیح مسلم آمده است.

﴿وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ (۳۱) ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا... ﴿فاطر ۳۱-۳۲﴾

«آنچه از کتاب (قرآن) به تو پیام داده‌ایم، حق است، و تصدیق کننده‌ی کتابهای آسمانی پیش از خود است. قطعاً خداوند از (اوضاع) بندگانش خود کاملاً آگاه (و به احوالشان) بینا است. (ما) کتاب‌های پیشین را برای ملتهای گذشته فرستادیم و سپس کتاب (قرآن) را به خداوند از برگزیده خود (یعنی امت محمدی) عطا کردیم.»

طبق قاعده‌ی «باقل کسی است که عقل دیگران را کنار عقل خود قرار دهد - از تجربه‌ی دیگران استفاده کند» و به سبب آنکه اساتید خطیب و سخنرانان در میان مردم سخنرانی کرده و نام خدا و پیامبر خدا را در میان مردم را تبلیغ و راسمایی می‌کنند، بر تمامی مسلمانان لازم است از تمام جوانب هم‌خوار و دلسوز اساتید معنوی و روحانیون بزرگوار باشند و آنان را پشتیبانی و همکاری کنند، تا از پس این مسئولیت سنگین و مهم، به خیریه بپردازند. بخشی از انواع همکاری و پشتیبانی کردن آن است که با دوراندیشی و دقت و انتقاد و پیشنهادهای سازنده‌ی خود آنان را غنا بخشند و از هیچ‌گونه پند و سخن نیکو و مفید نسبت به آنان دریغ نوزند، همان طور که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَالْعَصْرِ ۝۱﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ خُسْرٍ ۝۲ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالْعَصْرِ ۝۳﴾

«سوگند به زمان * انسانها همه زیانمندند * مگر کسانی که ایمان می‌آورند، و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند، و همدیگر را به تمسک به حق (در عقیده و قول و عمل) سفارش می‌کنند، و یکدیگر را به شکیبایی (در تحمل سختی‌ها و دشواریها و دردها و رنج‌هایی) توصیه می‌نمایند (که موجب رضای خدا می‌گردد).»

پیامبر خدا ﷺ هم می‌فرماید:

«الدِّينُ النَّصِيحَةُ، قَالُوا: لِمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَرَسُولِهِ وَلِأَيَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَغَائِمَتِهِمْ»^۱

خدا! برای چه، کی؟ فرمود: برای خدا، قرآن، پیامبر ﷺ، پیشوایان مسلمین^۲ و همی مسلمانان».

در مقابل هم قرار است. سخنران نیز گویا سیمای صدر و گشاده‌رویی و تواضع و قدوسی، دوراندیشی و دقت نظر، بصارع و انتقادهای مردم را - به مخصوص اگر از روی دلسوزی بیان شده باشد - بپذیرند؛ نباید به خاطر اینکه لایق مبر بوده و برای مردم سخنرانی می‌کنند، خود را از ایشان بهتر، برتر و داناتر و آگاه‌تر دانسته و این گونه گمان برند که نیازی به نصیحت و بند و اندرز و انتقاد و پیشنهاد دیگران ندارند!

۱. بخاری و مسلم

۲. نصیحت پیشوایان یعنی ارشاد و تذکر در هنگام ضرورت، یاری دادن در کارهای نیک، بازداشتن از خودمحوری و آگاه ساختن آنان از نیازهای مردم ... مترجم